

بسم الله الرحمن الرحيم



مسجد الأقصى و طرح یهودسازی قدس؛ مسئولیت مسلمانان چیست؟!

(قسمت چهارم)

(ترجمه)

در بخش قبلی پیرامون مرحلهٔ سختی از تاریخ امت اسلامی؛ مرحله حمله صلیبیان به سرزمین‌های اسلامی به ویژه به سرزمین شام و غصب مسجد الأقصى مبارک صحبت کردیم. بیش از نودسال متوالی در آنجا نه صدای آذان بلند می‌شد و نه هم نماز اداء می‌شد و مسلمانان از مسافرت به سوی آن از تمام نقاط زمین منع شده بودند. این حکم در تمام این دوران سیاه تاریخ این مسجد، معطل و معلق بود. در این بخش مهم‌ترین دروس و عبرت‌های این دوران مهم از تاریخ امت اسلامی را به شکل عام و از تاریخ مسجد الأقصى به طور خاص بیان می‌کنیم، زیرا حوادث تاریخی درس بزرگی برای نسل‌های آینده در طول تاریخ به همراه دارد، به خصوص در این مرحله از تاریخ که ما شاهد اغتصاب و تجاوز جدید برادران بوزینه‌ها و خوک‌ها هستیم. بلی، همان اربابان صلیبی و مزدوران شان در جنگ با اسلام و این ادامه همان دوران سیاه از جنگ‌های صلیبی است.

درس اول: جاه‌طلبی‌های کفار غربی و شرقی و مکر و فساد علیه این مسجد در طول تاریخ به ویژه در دوران جنگ‌های صلیبی تا به امروز ادامه داشته و متوقف نشده است. علیه مسجد الأقصى، لشکرکشی‌های هدف‌مندانه و متوالی صورت گرفته است که در طی دو قرن ۹ حمله علیه آن صورت گرفته است. علت و سبب آن این است که مسجد الأقصى در عقیده امت از جایگاه خاصی

برخوردارست و دشمن بطور مستمر تلاش ورزیده است تا علیه اسلام، مسلمانان، افکار و شعائر آن دسیسه‌سازی و مکر نماید و حمله به این مسجد جزئی از طرح و نقشه آن می‌باشد. زمانی که صلیبیان مسجدالأقصی را غصب کردند، برای تخریب آن دست بکار شدند و ادای نماز را در آنجا ممنوع قرار دادند، با آن که مسلمانان در زمان فتح آن هیچ یک از مسیحیان را از ادای عبادات در کلیساها و کنیسه‌های شان باز نداشتند. در حقیقت این کار مسلمانان، اجراء و وفا نمودن به عهد و پیمان عمر فاروق رضی الله عنه، خلیفه عادل مسلمانان در عصر عمری بود. این برای امت اسلامی تا به روز قیامت درسی است که مکر و نیرنگ مسیحیان علیه مسجدالأقصی از طریق سازمان‌های بین‌المللی و توافق‌نامه‌ها و به اصطلاح معاهدات صلح پایان ناپذیرست.

درس دوم: شوق و اشتیاق نسبت به اقصی بخاطر تنفیذ وصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم در عصر صحابه بزرگوار؛ محرک و دافع اصلی آزادسازی آن بود. شوق و محبت اقصی و مسئولیت آزادسازی آن که مربوط به عقیده امت می‌باشد و نیز تلاش مستمر و خستگی ناپذیر بعد از فتح آن برای پاک‌سازی اش از چنگال و پلیدی‌های کفر؛ دافع و محرک اصلی وحدت بخشیدنش بود، به گونه که در طول مدت غصب و اِشغال اقصی، جهاد متوقف نشد و بعد از جنگ سرنوشت‌ساز حطین در دشت فلسطین تاج آزادی را کسب کرد. امروز هم باید انگیزه و محرک آزادسازی آن، انگیزه عقیدتی و ایمانی باشد؛ نه انگیزه قومی، ملی و مردمی؛ زیرا هر یک از این‌ها به شکست فجیعی مواجه شدند. اقصی را فقط مردانی می‌توانند آزاد سازند که پیمان صدق و اخلاص را با الله سبحانه و تعالی بسته باشند، مانند: نورالدین آل زنگی و الظاهر بیبرس و صلاح الدین ایوبی.

درس سوم: ماهیت و سرشت امت اسلامی و صفات آن؛ امت اسلامی دارای ماهیت اساسی و منبع معتبر بوده که اصل آن ثابت و فرع آن در آسمان می‌باشد که به فرمان پروردگارش در هر زمان ثمره‌اش را می‌دهد:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ [ابراهیم: ۲۴]

ترجمه: بنگر که الله سبحانه و تعالی چگونه مثل می‌زند: سخن خوب به درخت خوبی می‌ماند که تنه آن (در زمین) استوار و

شاخه‌هایش در فضا (پراکنده) باشد.

علماء در بازگشت وحدت این امت در یک دولت واحد و تحت یک رهبریت واحد تأثیر به سزای داشته اند؛ به گونه‌ای که امت در عصر آل زنگی وحدت خود را حاصل نمود. فضل و برتری مرهون تلاش‌های علمای با تقواست که بطور مستمر و خستگی ناپذیر در تشویق امت و رهبران آن برای آزادسازی مقدسات، سرزمین‌ها و بندگان اعمال شاقه را انجام داده اند:

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ» (صحیح بن

حبان)

ترجمه: علماء وارثان انبیاء اند، انبیاء بعد از خود دینار و یا درهمی به ارث نگذاشتند، آنان علم به ارث گذاشته اند، کسی که آن را

فراگیرد، در حقیقت بهره عظیمی فرا گرفته است.

رهبران بزرگی هم‌چو آل زنگی و صلاح الدین ایوبی در طول دوران جهاد با علماء قرابت و هم‌نشینی داشتند و سرلشکر بودند، خواه آن لشکر با پیروزی مواجه می‌شد و خواه با شکست. و در این امر، درس بلیغ و آشکاری برای علماء امروز می‌باشد در

زمانی که در حق مسجدالأقصى کوتایی صورت گرفته و حکام مسلمانان علیه آن دسیسه‌سازی می‌کنند؛ درست همان‌گونه که بعضی حکام در زمان صلیبیان در حق آن کوتایی می‌کردند. بلی، در این امر درسی برای علماء است تا باری دیگر امت را وحدت بخشد تا که مقدمه باشد برای بازگشت عزت امت و آزادسازی مقدسات آن.

درس چهارم: در طول تاریخ کفار نه به عهد و پیمان خود وفا کردند و نه هم به امان دادن شان. قرآن ما و سنت رسول گرامی ما صلی الله علیه وسلم شاهد این موضوع است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً وَا أُوْلِيكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ﴾ [توبه: ۱۰]

امام بغوی در تفسیر خود گفته است: «دشمنی مشرکین یک دشمنی شامل و فراگیری برای هر مؤمن است، یعنی این مشرکین در صورتی که بتوانند بر مسلمانان حمله کنند و آنان را مورد کشتار قرار دهند، هر نوع معاهده و ذمه که مقتضای وفا کردن به آن را می‌طلبد، نقض می‌کنند و به هر پیوند خویشاوندی که دوستی و صمیمیت را می‌طلبد پشت می‌کنند.» کفار در طول تاریخ با امت اسلامی پیمانی‌شکنی کردند که بطور نمونه می‌توان از پیمان‌شکنی صلیبیان در الرها، معرة النعمان و قدس و از پیمان‌شکنی مغولان در سمرقند و بخارا یادآور شد که علیه مسلمانان شمشیر خیانت را بکار بردند. در عصر حاضر نیز هیچ عهد و وعده را با مسلمانان مراعات نخواهند کرد، مخصوصاً برادران بوزینه‌ها و خوک‌ها که هرگاه مصلحت ببینند، توافق‌نامه‌ها و معاهدات را که در سطح بین‌المللی به امضاء رسانده اند، نقض و زیر پا می‌کنند. در این امر، برای مسلمانان عبرتی نهفته است که دین، خون و ناموس شان را از هیچ یک از کفار ایمن نشمارند. الله سبحانه و تعالی صادق‌تر از همه توافق‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی بوده و مسلمانان باید که با کفار عزم و قصد جنگ و جهاد را بکنند تا که سرزمین‌های اسلامی که آنان اشغال و به تصرف خویش درآورده اند را آزاد سازند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَإِمَّا تَنْفِقْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ﴾ [انفال: ۵۷]

ترجمه: اگر آنان را در (میدان) جنگ دریافتی و بر آنان مسلط شدی، آن چنان آنان را درهم بکوب و پراکنده ساز که کسانی که در پشت سر ایشان قرار دارند (و آنان را حمایت می‌کنند) عبرت گیرند (پراکنده شوند و عرض اندام نکنند).

درس پنجم: گمان می‌بری که کفار متحد هستند، درحالی که قلوب شان مختلف و متفرق است؛ ولی باهم در جنگ با امت اسلامی توافق می‌کنند. این مسئله در اعمال مسیحیان روشن و آشکار است، آنگاه که قصد جنگ با امت اسلامی را می‌نمایند. به گونه مثال: کلیسای شرقی (قسطنطینه) همراه کلیسای غربی (روما) با وجود سال‌های طولانی جنگ متفق و متحد شد و هم‌چنین ممالک و پادشاهان اروپا. در این درسی است برای امت اسلامی که در طول تاریخ، یهودیان و مسیحیان با وجودی که در بین شان عداوت و دشمنی شدیدی وجود داشته است، ولی در جنگ با امت اسلامی مشت واحدی بشمار می‌روند. دیگر این‌که؛ امریکا و کشورهای اروپایی نیز با وجود عداوت و نفرت در بین شان، در جنگ با اسلام متحد هستند. بنابر این، بطور عموم در بین کفر در جنگ و شر علیه اسلام و مسلمانان هیچ فرقی وجود ندارد.

این بارزترین دروسی بود از دوران جنگ‌های صلیبی در مقابل امت اسلامی و مسجدالاقصی مبارک. در حقیقت جاه‌طلبی‌ها و آرزوهای صلیبی علیه امت اسلامی و مسجدالاقصی پایان نیافته است و این روزها؛ صلیبی جدیدی با دو سر از نو بمیان می‌آید و نیز زاده آن؛ صهیونست جهانی پا به صحنه حیات می‌گذارد. در بخش بعدی از تجدد حملات در عصر جدید تحت نام‌ها و مسمیات جدید که در زیر چتر سازمان شریر ملل بعد از جنگ جهانی دوم جایگزین شد، صحبت خواهیم کرد. بلی، در بخش بعدی پیرامون زاویه پنجم؛ دسیسه‌های غرب و صهیونست بعد از خلافت و در دوران قیمومیت انگلیس علیه فلسطین صحبت می‌کنیم.

نویسنده: حمد طیب

مترجم: محمد مزمل